



مرحوم هوشنگ چمن آرا خدمتگزاری بی ادعا و عاشقی بی ریا



ورزش و منفعت طلبان

پنج نکته

در مورد فوتبال اردبیل

پنج نکته در مورد فوتبال اردبیل

نکته اول

در روزهایی که برای کمک به تیم شهرداری جهت حضور در لیگ دسته سه رایزنی‌ها صورت می‌گرفت و جریان چگونگی حمایت شورا در کمیسیون فرهنگی آن با دعوت از معاون ورزشی اداره کل ورزش و جوانان و رئیس هیئت فوتبال استان در جریان بود در آن جلسه مسئول فوتبال استان در سخنانی علنا اعلام کرد که فوتبال پایه اردبیل در بسیاری از پارامترها از فوتبال تبریز و آذربایجان شرقی جلوتر و بالاتر است.

فوتبال ما در هشت سال اخیر با این قبیل ادعاها چندان غریبه نیست. کلی گویی و بازی با کلمات در مقاطعی رایج‌ترین و ابتدایی‌ترین بحث‌های فوتبال ما بوده است. ولی تأسف آنجاست که دوستان مدعی در ادامه کلی‌گویی‌ها هیچ وقت به جزئیات اشاره نکرده‌اند. نگفته‌اند که تبریز و تبریزی‌ها چگونه نمی‌توانند با فوتبال پایه ما برابری بکنند و به سطح مورد ادعای مسئول فوتبال ما برسند.

نکته دوم

هیئت فوتبال تبریز در هفته‌های اخیر برنامه رقابت‌های فوتبال پایه آن شهر را اعلام کرده است. بر طبق برنامه‌ای که در رسانه‌ها منتشر شده از هفته گذشته در رده نونهالان ۱۶ تیم در دو گروه ۸ تیمی، در رده نوجوانان زیر ۱۷ سال ۱۳ تیم و نوجوانان زیر ۱۶ سال ۹ تیم، در رده جوانان ۱۸ تیم در دو گروه ۹ تیمی و در رده امید ۱۱ تیم رقابت‌های خود را آغاز کرده‌اند.

نکته قابل توجه در این امر اعلام برنامه مسابقات تا پایان فصل بوده و همچنین زمین مورد نیاز برای مسابقات در دوره مقدماتی به صورت رایگان در اختیار تیم‌ها قرار می‌گیرد.

این مسابقات مربوط به فوتبال شهر تبریز است. آشنایی حداقلی با فضای حاکم بر تیمداری و برگزاری رقابت‌ها در

فوتبال می‌تواند انسان را وادار به ساعت‌ها تفکر بکند تا شاید پارامترهایی را که نشان از برتری فوتبال بدون برنامه و مسابقه اردبیل نسبت به تبریز دارد، پیدا بکند. مسلماً نه ساعت‌ها بلکه باید روزها و هفته‌ها و ماه‌ها وقت صرف کند تا شاید گرهی هرچند کوچک از این معما را باز نماید.

نکته سوم

جایگاه هیئت فوتبال شهرستان اردبیل در کجای فوتبال استان است. اصلاً فلسفه وجودی این هیئت در سال‌های اخیر چه بوده است؟ کارنامه هیئت و عملکرد آن که نباید محرمانه تلقی شود. جماعت فوتبالی شهر اردبیل نامحرم نیستند و حق دارند رئیس هیئت شهر خود را بشناسند، برنامه‌هایش را ملاحظه بکنند و با اهداف بلند مدت و کوتاه مدت وی آشنا بشوند.

در هشت سال اخیر آیا جز برگزاری فوتسال رمضان و یک دوره مسابقه فوتبال به اصطلاح باشگاهی بزرگسالان عملکردی از این هیئت مشاهده شده است؟

بهتر است عزیزان دارای پست و منصب در هیئت فوتبال شهر اردبیل برنامه‌های اجرا شده در بخش برگزاری مسابقات فوتبال و فوتسال را به اطلاع مردم رسانده و از عملکرد خود دفاع بکنند.

نقش اداره ورزش و جوانان شهرستان اردبیل در این میان چیست؟ چرا در قبال خاموشی فوتبال شهرستان اردبیل روزه سکوت گرفته‌اند و هیچ اقدامی نکرده و نمی‌کنند؟ بگویند که با توجه به کدام ویژگی‌ها رئیس فعلی هیئت فوتبال شهرستان اردبیل را به هیئت استان معرفی کرده و معیار این انتخاب چه بوده است؟ رئیس اداره ورزش و جوانان اردبیل که خوشبختانه فوتبالی است بگویند که تا چه حد از عملکرد هیئت شهرستان راضی است؟ رئیس ورزش و جوانان شهرستان اردبیل تا حال چندین جلسه راهبردی با هیئت

فوتبال شهرستان داشته و خروجی آن چه بوده است؟ آیا رئیس جدید، انتخاب اداره ورزش و جوانان شهرستان بوده و یا از سوی هیئت استان تحمیل شده است؟ اگر فعالیتی در هیئت فوتبال شهرستان نیست به چه دلیل امکانات در اختیار آن قرار گرفته است؟

نکته چهارم

در ورزش و فوتبال اردبیل تا انتقادی صورت می‌گیرد و حرف حق بر زبان رانده می‌شود بلافاصله موضعگیری‌ها آغاز می‌شود، مطالب سفارشی بر علیه منتقد تهیه و منتشر می‌شود، جو را آشفته می‌کنند تا از جوابگویی فرار نمایند، سؤال را با سؤال جواب می‌دهند تا حاشیه امنی برای خود ایجاد کنند، انتقادها را کار یک شبکه تخریب تلقی نموده و همه را ناآگاه و خود را آگاه و دانا به حساب می‌آورند، منتقد را باج خواه و منفعت طلب خطاب می‌کنند و ...

امیدواریم این نکته‌ها را دیگر به حساب باج خواهی نگذارند و همت بکنند و بزرگواری به خرج بدهند و دوستان در اداره ورزش و جوانان شهرستان اردبیل علت سکوت و بی‌توجهی در قبال عملکرد هیئت فوتبال شهرستان را اعلام نمایند.

نکته پنجم

اگر برای فوتبال فکر می‌کنیم، اگر می‌خواهیم فوتبال استان نفس بکشد و در راه موفقیت گام بردارد مسائل حاشیه‌ای را کنار بگذاریم و برای تعیین تکلیف اداره امور آن دقت و وسواس خاص به خرج بدهیم. باید تلاش بکنیم که در این ارتباط با سر توی چاه نیفتیم چرا که اگر اشتباه بکنیم و منافع فوتبال اردبیل را در پای منافع شخصی، قومی، باندی و فامیلی قربانی نماییم آیندگان حتما در قبال ما نفرین خواهند کرد.

سه اتفاق جالب بعد از برد باورنکردنی پرسپولیس؛ سرانجام از ۲ عبور کردیم

سرانجام برای اولین بار در لیگ بیستم، میانگین گل‌های زده شده در لیگ برتر فوتبال ایران از مرز ۲ گل عبور کرد.

به گزارش ایرنا، تنها بازی باقیمانده نیم‌فصل اول رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران بین ۲ تیم گل‌گهر سیرجان و پرسپولیس تهران برگزار شد که در نهایت سرخپوشان تهرانی موفق شدند با پنج گل از سد میزبان خود عبور کنند. با این پیروزی شاگردان یحیی گل محمدی سه امتیازی شدند و عنوان قهرمانی نیم‌فصل را به دست آوردند. اما این تنها اتفاق جالب بعد از این برد رویایی و باورنکردنی نبود. سرخپوشان تهرانی تعداد گل‌های زده شده لیگ تا پایان نیم‌فصل اول را به عدد ۲۴۲ رساندند. این تعداد گل در کنار ۱۲۰ بازی برگزار شده، میانگین ۲،۰۱ گل زده شده در هر دیدار را به ما ارائه می‌دهد. این یعنی برای اولین بار در لیگ بیستم، میانگین گل زده به عدد ۲ رسید و از آن عبور کرد.

همچنین پنج گل پرسپولیس، باعث شد تا تعداد گل‌های به ثمر رسیده در هفته دهم به عدد ۲۴ برسد که این یک رکورد در این فصل است. پیش از این هفته هشتم شاهد به ثمر رسیدن ۲۰ گل بود ولی حالا هفته دهم با این پنج گل، سبقت گرفت.

در کنار این‌ها این اولین پیروزی پنج بر صفر این فصل بود که رقم خورد. حالا سرخپوشان تهرانی صاحب مقتدرانه‌ترین برد نیم‌فصل اول لیگ برتر هستند و گل‌گهر متحمل سنگین‌ترین شکست نیمه نخست مسابقات این فصل شد.



مرحوم جعفر صراط جنتی؛ ستاره تاریخ فوتبال اردبیل

داشته باشد.

یکی از نام آوران فوتبال دهه ۵۰ اردبیل مرحوم جعفر صراط جنتی است. بزرگمردی که در ۲۵ بهمن سال ۱۳۹۵ آسمانی شد و دوستان و علاقه مندان خود را در عین ناباوری ترک کرد.

او بازیکنی بزرگ، انسانی متواضع و فوتبالیستی اخلاق مدار بود. به جرئت می توان گفت که فوتبال اردبیل بازیکنی چون او را کمتر به خود دیده است. مرحوم جعفر صراط جنتی به معنی اخص کلمه بازیکنی شش دانگ بود.

فیزیک بدنی مناسب در کنار هوش فوتبالی، قدرت بازی خوانی و توانایی بازی در پست های مختلف از او بازیکنی مؤثر، قدرتمند، بازی ساز و در یک کلمه فوتبالیستس با عیار کامل ساخته بود.

مرحوم صراط جنتی با تأسیس تیم رعد در رقابت های باشگاهی اردبیل در آن سال های خوش فوتبال به همراه تعدادی از جوانان لایق این دیار گوشه هایی از استعداد های فوتبالی منطقه را به نمایش می گذاشتند.

او سفیری لایق، توانا و قابل اعتماد برای فوتبال اردبیل بود. بازی های بدون نقص او در تیم های منتخب آذربایجان شرقی و اردبیل در یاد و خاطره فوتبال دوستان منطقه به یادگار مانده است.

یاد و خاطره این فوتبالیست توانا و ستاره تاریخ فوتبال اردبیل را گرامی داشته از درگاه احدیت شادی روح آن مرحوم را مسئلت می نمائیم.



ویژگی ها در دستور کار قرار می گیرد.

باید قدردانی تا زمانی که در قید حیات هستند صورت بگیرد. به عنوان مثال برگزاری سالانه یک مراسم باشکوه می تواند در معرفی نسل تأثیرگذار فوتبال منطقه نقش بسیار مهم

فوتبال اردبیل در گذشته هایی نه چندان دور عظمت و ابهت خاصی داشت. در ایامی که برای شهرستانی ها توجهی نمی شد استعداد جوانان نشکفته پرپر می گردید و ایام ورزشی جوانان لایق در کوتاه زمان به پایان می رسید. اما برخی از فوتبالیست ها که تبلور غیرت، همت و تکنیک بودند خود را به دست اندرکاران وقت فوتبال استان آذربایجان شرقی و کشور تحمیل کرده و آنها جز بها دادن به چهره های مطرح اردبیل راه دیگری در پیش پای خود نمی دیدند.

بررسی تاریخ فوتبال دهه ۵۰ و ۶۰ نشان می دهد که جوانان فوتبالیست اردبیل در قالب تیم های منتخب آذربایجان شرقی همیشه حرف های زیادی برای گفتن داشته اند.

عضویت در تیم های منتخب استان در ایامی که تبعیض و ترجیح دادن مرکز نشین ها بر شهرستانی ها رویه ای مرسوم بوده برای جوانان جویای نام اردبیل یک موفقیت محسوب می شد.

فوتبال اردبیل خواسته یا ناخواسته روزهای خوش و نشاط آورش را با سکوت و عقب گرد جایگزین کرده است و در چنین حالاتی که چیزی برای گفتن از فوتبال وجود ندارد تنها دلخوشی هواداران پرداختن به گذشته و ذکر گوشه ای از تاریخ پرافتخار این رشته ورزشی می باشد.

تجلیل از افتخار آفرینان و زحمتکشان راستین فوتبال اردبیل یکی از برنامه هایی است که جای خالی آن سال هاست که احساس می شود. تا بزرگی از فوتبال را از دست می دهیم قلم ها به کار می افتند و صحبت از سجایای اخلاقی و ذکر

دسته گل «یحیی» تقدیم به «امیر»؛ پرسپولیس قهرمان نیم فصل شد

تیم فوتبال پرسپولیس با برتری درخشان خارج از خانه مقابل گل گهر سیرجان و رقم زدن پنجمین برد متوالی خود به قهرمانی نیم فصل لیگ برتر دست یافت.

در دیداری معوقه از هفته دهم لیگ برتر فوتبال باشگاه های ایران، پرسپولیس در سیرجان به میهمانی گل گهر رفت و با نمایشی عالی به برتری درخشان پنج بر صفر شد تا قهرمانی نیم فصل را از آن خود کند.

شاگردان «یحیی گل محمدی» با کسب پنجمین برد متوالی و رسیدن به امتیاز ۳۰، نیم فصل را با قهرمانی به اتمام رساندند و گل گهر هم ۲۲ امتیازی باقی ماند.

با این اوصاف در پایان نیم فصل، سپاهان با ۲۸ امتیاز و استقلال با ۲۶ امتیاز در رتبه های دوم و سوم قرار گرفتند.

این بازی در حالی آغاز شد که پرسپولیس با یک تساوی هم می توانست به قهرمانی نیم فصل برسد. گل گهر هم که «امیر قلعه نویی» «سرمربی» و «گادوین منشا» مهاجمش را به دلیل محرومیت در اختیار نداشت با کسب نتیجه مناسب می توانست در جمع مدعیان قرار بگیرد.

میزبان بازی را بهتر آغاز کرد و در دقیقه ۱۱ می توانست به گل دست یابد که «حامد لک» مانع از باز شدن دروازه پرسپولیس شد.

بازی بسیار درگیرانه پیگیری شد و همین امر موجب گردید تا بارها سوت داور به نشان خطا به صدا درآید.

در دقیقه ۱۸ کرنر ارسال «احمد زنده روح» مستقیم به تیرک دروازه پرسپولیس برخورد کرد و در برگشت نیز ضربه «علی اصغر عاشوری» را مدافع پرسپولیس از روی خط دروازه بیرون کشید

در دقیقه ۳۰ و برخلاف روند بازی پرسپولیس به گل رسید. حرکت از جناح چپ و ارسال «سعید آقایی» در دهانه دروازه به «احمد نوراللهی» رسید و هافبک این تیم روند گلزنی های خود را ادامه داد.

در ادامه شاگردان «امیر قلعه نویی» با حرکات ترکیبی از جناحین دربی رسیدن به گل تساوی بوده و پرسپولیس را مجبور به عقب نشینی کردند.

در دقیقه ۴۲ «امید عالیشاه» با حرکتی تماشایی و پاس مناسب موجب شد تا «وحید امیری» در آستانه گلزنی قرار بگیرد اما «مهرداد بشاگردی» «ناجی» دروازه میزبان شد.

نیمه دوم با حملات گل گهر آغاز شد و میهمان به فکر ضد حملات و حرکات «امید عالیشاه» بود.

در دقیقه ۶۰ و در ضد حمله ای سریع «امید عالیشاه» با عبور از مدافع گل گهر موفق شد گل دوم تیمش را به ارمان آورده تا بازی خوب خود را تکمیل کند.

در دقیقه ۶۸ و در ضد حمله ای دیگر، شوت «سیامک نعمتی» «را دروازه بان گل گهر دفع کرد اما در برگشت» «مهدی شیری» «با ضربه سر موفق به گلزنی شد. این اولین گل شیری با پیراهن پرسپولیس در یک بازی رسمی بود.

در دقیقه ۷۲ ارسال «مهدی شیری» را «احمد زنده روح» به اشتباه درون دروازه تیم خودی جای داد تا نتیجه ای عجیب شکل بگیرد.

در دقیقه ۷۶ «مهدی عبدی» که لحظاتی از حضورش در میدان می گذشت توپ را به تیرک دروازه میزبان زد.

در دقیقه ۸۴ «بهنام برزای» با دریافت کارت زرد دوم از زمین اخراج شد.

در دقیقه ۸۷ ارسال «علی شجاعی» با واکنش ضعیف دروازه بان میزبان همراه شد تا «سیامک نعمتی» «گل پنجم پرسپولیس را ثبت کند.

در نهایت این دیدار با برتری قاطع پنج بر صفر پرسپولیس به اتمام رسید. این سنگین ترین شکست گل گهر در لیگ برتر و سنگین ترین باختی بود که تیم های تحت هدایت قلعه نویی در لیگ برتر متحمل شده اند.

ورزش و منفعت طلبان

اقدامات زهر چشم بگیرند تا راحت‌تر و آسوده‌تر برای ارباب خوش خدمتی بکنند.

در ورزش ما از این قبیل نوجه‌ها نمونه‌های متعددی می‌توان ذکر کرد. با کوچکترین توجه به چگونگی مدیریت مجموعه‌های ورزشی به راحتی می‌توان رؤسای نوجه پرور را از مدیران لایق و کارآمد تشخیص داد.

وقتی دلسوزان و استخوان خردکرده‌های ورزش فریاد می‌زنند که در انتخاب مسئولین ورزش و به خصوص هیئت‌های ورزشی باید دقت کرد علتی جز خشکاندن ریشه نوجه پروری و برچیدن بساط هوچیگری و تهدید و ارباب نبوده و نیست.

زمانی که جایگاه اهالی ورزش توسط غیر خودی‌ها و آویزان‌های ورزش مورد حمله قرار می‌گیرد و مسئولینی به ظاهر دلسوز ورزش از آن‌ها حمایت می‌کنند انتظاری جز نابودی و فنای ورزش وجود نخواهد داشت.

رسانه‌های مستقل و متعهد، عرق ریخته‌های متعصب ورزش، ورزشکاران صادق و متین، مدیران باشگاه‌های مردمی و در نهایت آنهایی که می‌توانند در انتخاب مسئولین هیئت‌های ورزشی تأثیرگذار باشند باید آستین همت بالا بزنند و ورزش ما را از وجود رؤسا و مسئولین هیئت‌های نوجه پرور، دروغگو، چرب زبان، منفعت طلب مقام پرست و خودمحور و متکبر پاکسازی کنند. انشالله.

سپرده شده میدان دادن به افراد چاپلوس، هوچیگر و در یک کلام حرمت شکن از رونق بیشتری برخوردار شده است.

شایستگی و توانایی در یک مدیر به عنوان یک سپر قوی و مقاوم در حفظ موقعیت و جایگاه وی عمل می‌کند و زمانی که به دست آوردن میز مدیریت در سایه رابطه ممکن شود چاره‌ای جز جذب هوچیگرها، بی‌حیاها و قلدرمآب‌ها نخواهد بود.

مدیری که کمتر به قوانین تعظیم می‌کند، مدیری که به دلیل ضعف‌های زیاد دائما مورد انتقاد قرار می‌گیرد، مسئولی که چون طبل توخالی باشد، رئیسی که غاصب پست و مقام گردد، دست به دامن چماق به دست‌ها شدن را واجب‌تر از نان شب تلقی می‌کند.

مدیران ورزشی نالایق و نوجه‌ها و نوکران حلقه به گوششان همدیگر را یاری می‌دهند و ریزه خوار سفره همدیگرند. به همین دلیل است که این قبیل مدیران مدام برای سپردن پست‌های کلیدی به آن‌ها تلاش می‌کنند. ابانی از اینکه چندین پست و موقعیت را به نوجه‌های خود بدهند، ندارند. چرا که می‌خواهند به هر قیمتی که شده موقعیت خود را حفظ بکنند و از قرار گرفتن افراد غیر خودی در مسئولیت‌ها ممانعت نمایند.

هوچیگرهایی که برای جامعه ورزش ناشناخته باشند سعی می‌کنند به کمک مسئولین ضعیف‌النفوس منفعت طلب با تهدید و ارباب، داد و فریاد، شعار دادن و رجز خواندن به معرفی خود پردازند و با این

ورزش از عوامل مختلف آسیب‌های جدی دیده است. صحنه ورزش که روزگاری برای خودش برویایی داشت و عمل به اصول، رعایت اخلاق و پایبندی به قول و قرار در آن حرف اول را می‌زد به چنان حدی از آشفتگی رسیده است که حتی تجسم آن در سال‌های نه چندان دور امکان پذیر نبود.

ورزشکاران و پهلوانان در گذشته مورد اعتماد کامل جامعه بوده‌اند. جایگاه ورزشکار در جامعه و بین آحاد مختلف، ویژه و ممتاز بود. امروزه رفتارهای سبک، اقدامات سؤال برانگیز و کارهای چندان آور بر موقعیت ورزش در جامعه ضربه می‌زند.

نتیجه آشفتگی‌های فضای ورزش بی‌اعتمادی و یأس می‌باشد. این هر دو زهری است در کام مردمی که می‌خواهند همچنان ویژگی‌های جوانمردی، خصلت‌های پهلوانی و رفتارهای متواضعانه در ورزش حاکمیت داشته باشد.

افرادی که پایه‌های اعتماد جامعه برای ورزش و ورزشکار را لرزان و سست می‌کنند باید بدانند که از این کار بزرگترین و بالاترین ضربات و خسارت در دراز مدت متوجه خود آن‌ها می‌شود. ابر بی‌اعتمادی اگر باریدن بگیرد بر سر همگان به یکسان خواهد بارید و در آن موقع هیچ فرصت طلب بی‌خبر از خدا، موقعیت طلب خود محور و دروغگوی ظاهر ساز از سر پناهی بهره‌مند نخواهد شد.

هر وقت امور ورزش به افرادی ناکارآمد و فاقد صلاحیت‌های لازم

پنجمین مرحله از اردوی تیم ملی کشتی آزاد برگزار می‌شود



پنجمین مرحله از اردوی تیم ملی کشتی آزاد بزرگسالان برای حضور در رقابت‌های گزینشی المپیک و قهرمانی آسیا در قزاقستان، روزهای ۳ تا ۱۳ اسفندماه در محل خانه کشتی شهید ابراهیم هادی مجموعه ورزشی آزادی تهران برگزار می‌شود.

اسامی نفرات دعوت شده به اردوی تیم ملی کشتی به شرح زیر است:

- ۵۷ کیلوگرم: رضا اطری، رحمان عموزاد خلیلی (مازندران) علیرضا سرلک (لرستان) علی قلیزادگان (تهران)
- ۶۱ کیلوگرم: مجید داستان (تهران) محمد خدابختی (مازندران) داریوش حضرتقلی زاده (خراسان شمالی)
- ۶۵ کیلوگرم: بهنام احسان پور، امیرمحمد یزدانی (مازندران) مرتضی قیاسی (لرستان)
- ۷۰ کیلوگرم: امیرحسین حسینی (تهران) عرفان الهی، مهدی عشقی (مازندران)
- ۷۴ کیلوگرم: مصطفی حسین خانی، یونس امامی (تهران) جمال عبادی (خوزستان) محمدصادق فیروزپور (مازندران)
- ۷۹ کیلوگرم: علی سوادکوهی (مازندران) حمیدرضا زرین پیکر (تهران)
- ۸۶ کیلوگرم: حسن یزدانی، کامران قاسم پور، احمد بوری، امیرحسین فیروزپور (مازندران)
- ۹۲ کیلوگرم: ارشک محبی (کرمانشاه) محمد علی تبار (مازندران) امیرعلی آذربیرا (تهران)
- ۹۷ کیلوگرم: علی شعبانی، محمدحسین محمدیان، مجتبی گلج (مازندران)
- علیرضا کریمی (البرز) مبین عظیمی (کردستان)
- ۱۲۵ کیلوگرم: امین طاهری (تهران) امیرحسین زارع، عباس فروتن (مازندران) امیررضا امیری (لرستان)

سرمری: غلامرضا محمدی

مربیان: ابراهیم مهربان، عباس حاج کناری، محمد اصلانی، حسن طهماسبی، تورج کفایی، داود رخس خورشید

ماساژور: سجاد امیری

متخصص تغذیه: رامین امیرساسان

بهنام دولت؛ چهره ای تاریخ ساز در فوتبال اردبیل



2017/12/11

دهه ۶۰ دست بردارند.

وقتی با بهنام دولت از روزهای گذشته و حال فوتبال سر سخن باز می کنی حرف های زیادی برای گفتن دارد. درد دل هایی که می تواند برای هر مسئولی تکان دهنده باشد. دولت برگی از شناسنامه فوتبال اردبیل است که شنیدن حرف هایش برای همه دوستداران فوتبال، شیرین و دلچسب خواهد بود.

دولت در ابتدای سخن می گوید: ما نه اهل ادعا هستیم و نه فخر فروشی به و این و به آن. هیچ وقت به فکر مصاحبه ها نبودیم و انعکاس هر آنچه افتاده را به اهل فن سپرده ایم که اگر قابل بود در گوشه ای به یادگار بگذارند. و خود هر چه بود و نبود را بسته و به گوشه ای انداختیم تا این که چند وقت پیش یکی از دوستان که گروهی را به یاد مقصود راه انداخته به نکته ای اشاره نمود که مانندم. او گفت که این عکس ها و خاطرات متعلق به شما نیست و مال تاریخ فوتبال این شهر است و برآستی که واقعیتی انکار ناپذیر است.

واقعیت این است که تمام جان کندن های من و ما و شما هر کدام در جبهه خودش متعلق به تاریخ فوتبال است و وظیفه من گفتن و وظیفه شما انعکاس آن است تا جوانان امروز با جوانان دیروز در این رشته آشنایی داشته باشند.

بهنام دولت، یکم شهریور چهل و دو در محله مسجد جمعه اردبیل به دنیا آمد و پس از سپری کردن دوره دبستان، راهنمایی را در آریا و دبیرستان را در صفوی و جهان علوم گذراند.

بقیه در صفحه ۵

منطقه آقایی می کرد و یکی از ستون های اصلی و قابل اعتماد آن در رقابت های جام فلق بود.

مرسل و قری ها، عزیز گنجگاهی ها، محمد قلیزاده ها، بهنام دولت ها و برای فوتبال اردبیل سال ها آبروداری کردند و تلاش برای سربلندی آن را افتخاری بزرگ به حساب آوردند. تعصب بهنام دولت و بهنام دولت ها باید برای نسل جوان امروز الگو قرار گیرد. تعصبی که در آن سال ها در عمل بودنش به اثبات رسیده باشد و گر نه در قالب حرف می توان کلمات زیادی را بر زبان راند و ادعاهای آنچنانی داشت.

به چند دلیل گفت و گوی من با بهنام دولت اسیر گذشت زمان شد. با توجه به شناختی که از روحیات او داشتم برای پذیرفتن مصاحبه از سوی وی دو دل بودم. در یک سال اخیر شیوع کرونا و محدودیت های ایجاد شده این امر را به تأخیر انداخت تا این که دل به دریا زدم و سؤالاتم را از طریق فضای مجازی به آقا بهنام فرستادم. او بزرگوارانه در کمترین زمان ممکن آنچه را که لازم بود با قلم شیوا و رسایش نوشت و به من ارسال کرد.

حاصل گفتگوی اینترنتی من با یکی از بزرگان و چهره های فراموش نشدنی فوتبال اردبیل متنی است که تقدیم شما دوستان فوتبال و عاشقان این رشته و علاقه مندان به فوتبال دهه ۵۰ و ۶۰ اردبیل می شود.

امیدواریم حضراتی که به فوتبال دهه ۶۰ و موفقیت های جام فلق حساسیت دارند حداقل مصاحبه با بزرگان فوتبال اردبیل را بی طرفانه مطالعه بکنند و با مراجعه به وجدان از لجابت و تلاش برای سرپوش گذاشتن به افتخار آفرینی های فوتبال

پای صحبت بزرگان فوتبال اردبیل نشستن لذت بخش است. خاطرات خوش آن ها، انسان را به گذشته ها می برد، گذشته هایی که در آن فوتبال نقش اساسی بازی می کرد و شادی و نشاط را به جامعه می بخشید. گذشته هایی که درس جوانمردی، انسانیت، درستی و صداقت می داد و گذشته هایی سرشار از افتخار و غرور که با گذشت بیش از سی سال و بالا رفتن امکانات و زیر ساخت ها قادر به تکرار گوشه هایی از آن نبوده و نیستیم.

همه فوتبالیست های دهه ۵۰ و ۶۰ دوست داشتنی، بزرگوار، با معرفت و جوانمرد بودند. حرمت مستطیل سبز و چارچوب تیم ها برای پا به توپ های آن روزگار مهمترین مسئله بود. همین نگرش موجب گسترش فضایی از محبت و مردی و جوانمردی در تیم های آن روزگاران بود. به هر وسیله ممکن لازم است که یاد و خاطره گذشته فوتبال خودمان را زنده نگهداریم و آن را از تعرض، حسادت و چشم تنگی برخی از آویزان های فوتبال منطقه حفظ بکنیم. این وظیفه ای است بردوش همه کسانی که آن سال ها را از نزدیک دیده اند و حالا ابزار و امکاناتی هم در اختیار دارند.

مدت ها بود که برای یک گپ دوستانه با یکی از تاریخ سازان فوتبال اردبیل با خود کلنجار می رفتیم. بهنام دولت همان بازیکنی که سال ها در کنار مرحوم مقصود بایرامی و دوشادوش وی برای زنده نگه داشتن و مطرح کردن نام اردبیل در صحنه فوتبال کشور تلاش می کرد. بازیکنی که هر تیم آرزوی داشتن اش را می نمود. بازیکنی که بر فوتبال

بهنام دولت؛ چهره ای تاریخ ساز در فوتبال اردبیل



آغاز فوتبال

مثل اکثر فوتبالیست ها ابتدا درون دروازه ایستادم ولی در کمترین زمان به میانه میدان رسیدم و در تیم محله که با نام [پیرول] فعال بود بازی کردم و زود به اتفاق دوستان بسیار عزیزم شاپور ذاکر حمیدی و وودود آخوندزاده و چند نفر دیگر به عقاب پیوستم.

در تیم عقاب در کنار این دوستان بودم تا این که در سال شصت به تیم جوان پرسپولیس پیوستم و در طول سال هایی که در اردبیل بودم تقریباً در تمامی تیم های منتخب اردبیل در همه رده ها عضویت داشتم.

جام عقاب

مسابقات فوتبال اردبیل بدون هیچ ساختاری در کوتاه ترین زمان شروع و خاتمه پیدا می کرد تا قهرمان آن به مسابقات استانی برود و از این رو بود که جام عقاب ارزش خود را به نمایش گذاشت و با خود جام شاهین و دیگر جام ها را به ارمغان آورد. ما هیچ ساختار فوتبالی نداشتیم که به هم پیوسته و هدف دار باشد و دقیقاً این همان دینی است که نجفلی به گردن فوتبال اردبیل دارد.

فوتبال دهه ۵۰ و ۶۰

اگر و اگر دهه پنجاه را سال صعود فوتبال اردبیل بنامیم می بایست دهه شصت را دهه اوج آن نامید و این دقیقاً در سایه ساختار و بستری بود که بزرگانی مثل نجفلی بنا نهادند و بی انصافی است اگر از هوشمندی ها و عقیلی ها و خیلی های دیگر نام نبرم. آنها بزرگان ما بودند و هستند و خواهند بود.

اما فوتبالیست های دهه شصت چنین یاد گرفته ایم که هیچ وقت بزرگان خود را نادیده نگیریم. چه در قید حیات باشند و چه نباشند. و این گونه بود که از دل این تفکر و درایت و زحمت بی ادعای زحمتکشان آن زمان و در سایه ساختاری به هم پیوسته و هدف دار تیم های قدرتمندی پا به عرصه نهادند که چکیده آن در جام فلق بزرگترین افتخار ورزشی فوتبال اردبیل را رقم زد. افتخاری که با گذشت بیش از سه دهه هنوز که هنوز است در مورد آن صحبت می کنند.

براستی که کسب عنوان قهرمانی در سال اول توأم با پدیده سال ایران بودن و حضور در مسابقات دهه فجر و نایب قهرمانی و سومی در سال های بعد افتخاری است فراموش نشدنی و آن هم با کمترین بضاعت مالی و کمترین امکانات در زمان خود. جایزه قهرمانی ما در ایران اگر اشتباه نکنم چهل هزار تومان بود که آن هم عین گوشت قربانی تقسیم شد بین طلبکاران و چه بسا زحمتکشانی مثل ننه کرانی و سایر عزیزان از جیب شریفشان هم دریغ نکردند.

دولت در ادامه می گوید [من سوآلی بپرسم آیا یادتان می آید چیزی به اسم حاشیه در بین تیم و بازیکنان؟] ابدأ نه. چون تیم بزرگانی داشت که همه حرمتشان را داشتند و بچه ها یکی بهتر از دیگری. اصلاً واقعیت این است که بر خلاف الان همه چیز سر جای خودش بود حتی اژدر عمو و عارف و مش شعبان هم دقیقاً جای خودشان بودند.

حرمت پیشکسوت

خوشبختانه به ظاهر با همه صمیمی هستیم، ولی آن گونه که میدانی بیشترین مسافرت ورزشی من با خدا بیمارز مقصود بود. برای اثبات آن که البته نیازی نیست، خاطره ای بگویم. جهت حضور در مسابقات لیگ قدس، طبق معمول من از مغان که آنجا مشغول خدمت بودم به ترمینال می رسیدم و مقصود منتظرم بود، سوار اتوبوس شدیم تا تبریز برویم. در مسیر، اتوبوس در سراب توقف کوتاهی کرد و مجدد راه افتادیم، مقصود کنار پنجره نشسته بود همین که از سراب فاصله گرفتیم دیدم مقصود رو به بیابان دست تکان می دهد، انگار که با کسی خدا حافظی کند، تعجب کردم و گفتم مقصود دیوانه شدی؟ به چه کسی دست تکان می دهی؟ گفت بهنام آن قدر رفت و آمد کردیم که دیگر کشاورز های منطقه هم ما را می شناسند به آنها دست تکان می دهم.

می خواهم جواب این سؤال را با ذکر خاطره ای بدهم. روزی روزگاری پس از سال ها زحمت برای شهر و استانمان به اتفاق یکی از دوستان کودکی راهی تبریز شدیم و برای دیدار همبازیان قدیم به باغشمال پیر رفتیم. تمرین پیشکسوتان بود، دیدار تازه کردیم بعد به قهوه خانه رفتیم و بعد سر از باغی در آوردیم و ناهار را مشغول شدیم، هر جا که رفتیم جز حرمت چیزی ندیدیم، سر ناهار دیدم رفیق ما سیخ کباب در دست به فکر فرو رفته، پرسیدم اصغر به فکر چه فرو رفته ای؟ گفت، به فکر تو، پرسیدم به چه چیز من فکر می کنی؟ گفت: تو اشتباهی کوچ نکرده ای؟

دوستان صمیمی در فوتبال

خوشبختانه به ظاهر با همه صمیمی هستیم، ولی آن گونه که

بهنام دولت؛ چهره ای تاریخ ساز در فوتبال اردبیل

باشگاه ها

عضویت در باشگاه های عقاب و پرسپولیس و منتخب آموزشگاه ها و جوانان و بزرگسالان اردبیل و باشگاه توانیر تبریز و منتخب جوانان و بزرگسالان استان آذربایجان شرقی در سه دوره لیگ قدس و تیم ملی جوانان و حضور در بازی های آسیایی به همراه این تیم و باشگاه های پیام تهران، بانک ملی تهران، کشتیرانی (سایپا) تهران و شמושک نوشهر و بانک رفاه تهران رابه ترتیب در کارنامه دارم.

مربیان دولت

دکتر کنار مربیان و زحمت کشان شهرمان همچون چمن آرا و داوردان و سید سیاهی و حسنی فرد و مش جعفر دوست داشتنی، افتخار شاگردی مربیان بزرگی همچون حاج رضایی، فریدون عسگر زاده، سید علیخانی، بیوک صباغ، حق شناس، میر آخوری، شمس، همایون شاهرخی، جلال چراغپور، ناصر ابراهیمی و را در کارنامه دارم و مرحوم بیوک صباغ را سر آمد همه و دهداری آذربایجان می دانم.

سابقه فوتبالی

در بیشتر جنبه های فوتبال از بازیگری، مربیگری (امید و بزرگسالان)، کمیته جوانان استان، استعداد یابی فدراسیون فوتبال، مسئول و مربی تیم کارگری در تهران و تجربه همبازی و رقابت با تمامی بزرگان فوتبال ایران را داشته ام. با سلطان رودر رو شدم، با ژنرال در تیم ملی بودم، با قایقران شاخ به شاخ شده ام، با عاشوری و مرفاوی دوست و همبازی بودم، با فرکی هم باشگاه شدم، با عقاب آسیا رقیب بودم، با مختاریفر همبازی شدم، با دست نشان و احمد زاده هم رفیق و رقیب بودم اما آنچه امثال دست نشان و احمد زاده را بزرگ کرد گیلان و مازندران و نساجی و ملوان بودند و در کنارش رسانه های محلی و مسئولین، اما به علی که متأسفانه ریشه فرهنگی دارد و نهادینه شده با هیچ کدام از بزرگان فوتبال ما چنین نکردند و اگر موردی بوده تنگ نظرانه بهره برداری شده و با تمام بزرگی حتی اگر مقصود هم زنده بود دقیقاً همان جایی ایستاده بود که من نوعی ایستاده ام نه کمتر و نه بیشتر.

وی می گوید: خاطرم هست برای انتخاب سر مربی تیم شهرداری کمیته فنی تشکیل دادند که به نظر من سیری بود برای مدیریت وقت، چرا که پیشاپیش انتخاب خود را کرده بودند. جالب تر اینکه در لیست آنها هیچ اسمی از مربی بومی نبوده که با انتقاد سید سیاهی اجباراً چند مربی بومی هم اضافه کرده بودند. نکته تلخ این بود که من و ما در شهر خودمان غریب بودیم که چرایش بسیار است. برای توجیه عملکردشان اگر برجسی هم به شما می زدند دور از ذهن نبود. وقتی کار دست صاحبش نباشد می شود اینکه سن کوچ بازیکنان ما به زیر دوازده سال رسیده و این یعنی فاجعه، یعنی قطع امید از فوتبال و مسئولین شهر در ایجاد بستر مناسب.

وی می گوید: استارا با سرعت صوت از ما پیشی گرفته، مبارکشان باشد، عرضه داشتند، زحمت کشیدند و رفتند و ما

هنوز اندر خم یک کوچه ایم، آن هم کوچه بن بسا.

مرغ همسایه غاز است

اما استعداد داریم زیاد هم داریم مثل گذشته. مگر بازی خارج از استان سهل و آسان است؟ اتفاقاً کار هر کسی نیست، ولی بسیاری از دوستان و افتخاران فوتبال این شهر مثل جعفر صراطی، کاظمی، مسنن، وقری، علیزاده، فرهنگ، برادران بایرامی، حکیم زاده، زرگین، اروچی، قلیزاده، اعیادی، حسن رسولی، گنجگاهی، وطن خواه و خیلی های دیگر در نسل ما این مهم را انجام دادند و نسل فعلی هم دو چندان می کنند. این مسئولین بودند و هستند که نتوانستند پا به پای آنها حرکت کنند و حال به این نقطه رسیده ایم. اگر بستری باشد و مرغ همسایه را غاز نبینند ما هم استعدادش را داریم هم مدیر و مربی اش را؛ البته اگر یاد بگیرند و بتوانند زیر یک سقف کار کنند که من به نوبه خود در مقطعی که بودم تلاشم را در این مورد انجام دادم ولی نیاز به زمان داریم تا خوب یاد بگیریم. اصلاً کدام دیوانه ای خانه و کاشانه را ول می کند و به دیار غربت می رود برای دیده شدن آن هم با شرایطی تأسف آور. اینکه در استان دیگری بازی کنی امری طبیعی در فوتبال حرفه ای است ولی با شرایط خوب و با عزت. کار ما بواسطه ارتباطی که با بعضی مربیان استان های متمول داریم این شده که برای تحویل دو دستی استعداد به این و آن التماس کنیم.

خاطره ای از انتخاب یک مربی

خاطرم هست یک ماشین مسئول وقت رفتند منزل ربیعی و قرار داد بستند و ربیعی را سر مربی کردند با اختیارات تام، بودجه ای میلیاردی در اختیارش گذاشتند با اردو و تدارکاتی که فوتبال اردبیل در خواب هم نمی دید. من با او هیچ مشکلی ندارم اما دوستان، اردبیل را پله ترقی او کردید حال به اختیار یا اجبار. اما در مقابل این همه محبت ربیعی چه کرد؟ با پول خودتان برای خودش پیاده نظامی تشکیل داد و طلای شما را مفرغ خواند و بیرون گذاشت و مفرغ را به

قیمت طلا برایتان حساب کرد. پیاده آمدند، سواره برگشتند، نهایت رفت و وکیل فرستاد و امتیاز لیگ سه شهرداری را به جای طلبش به اجرا گذاشت.

بعد تیم را دادند به شخصی با اهلیت مناسب که داستانی دارد برای خودش. در لیگ سه هم تیم را به مربی بومی بی مواجب با هزار وعده و وعید تحویل دادند. چرا؟ چون پولی نداشتند. دوره ای که خودم سر مربی شهرداری بودم نیم فصل در جایگاه دوم بودیم، گفتند جایگاهمان مناسب نیست. عجب؟ دیناری نداده اند به رده دوم هم قانع نیستند. از شروع تا خاتمه جزو سه تیم اول بودیم و دو تیم هم صعود می کرد، زمین و زمان را به هم دوختیم تا به هر بازیکنی که واقعاً از تک تکشون خجالت می کشیدم یک میلیون بدهند تا این همه زحمت هدر نرود، نشد که نشد و سوم ماندیم. چرا؟ چون ما یاد نگرفتیم برای همدیگر تب کنیم ولی برای دیگران چرا و این هم دلایل خود را دارد.

یک خاطره

خلخال دشت بازی داشت رستم استادبوم، جایگاه نشسته بودم، دیدم مدیران خخلخال دشت آمدند. مدیرشان من را شناخت و خیلی حرمت کرد، گفت: نمیدانستم اردبیل برگشتید، گفتم قسمت نبوده. گلایه کردم که چرا این همه مربی در کنارتان و شما از تهران مربی آوردید، مگر بچه های خودمان چه کم و کسری نسبت به آنها دارند؟ چرا مرغ همسایه غاز است؟ جوابی شنیدم که واقعاً جا خوردم.

گفتند اصلاً سیاست باشگاه و تأسیس آن بها دادن به بومی هاست اما بهنام جان با هر کسی صحبت کردیم فردایش سیل افترا ها و تهمت ها علیه اش سرازیر شد. با کس دیگری صحبت کردیم دیدیم این هم مثل همان. و در پایان گفت: دوستانی هستند که علل عدم پیشرفت ورزش و در رأس آن فوتبال را جستجو می کنند. در کنار همه کاستی ها اصل این است که ما نیازی به دشمن نداریم. والسلام.



مرحوم هوشنگ چمن آرا؛ خدمتگزاری بی ادعا و عاشقی بی ریا



در بیست و سومین روز بهمن ماه سال ۱۳۹۲ چهره ماندگار، دوست داشتنی و زحمتکش فوتبال اردبیل آسمانی شد.

مرحوم هوشنگ چمن آرا خدمتگزاری به یادماندنی و عاشقی به معنی کامل کلمه بود. زحماتی که آن مرحوم برای فوتبال اردبیل کشیده است در تاریخ ورزش منطقه ماندنی و فراموش نشدنی است. در سایه وجود چهره‌هایی چون هوشنگ چمن آرا بود که فوتبال اردبیل در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ در منطقه و کشور آقامی می‌کرد و روزها و هفته‌ها و ماه‌های خاطره‌انگیزی برای علاقه‌مندان رقم می‌زد. در روزگاری که فوتبال مجموعه‌ای از بهترین‌ها و عاشق‌ها را در آغوش گرفته بود او عاشق‌ترین بود. هوشنگ دلبسته فوتبال بود و تا آخرین نفس رابطه‌اش را با آن قطع نکرد و با فوتبال زندگی نمود. چهره‌هایی چون مرحوم هوشنگ چمن آرا برای فوتبال تلاش کردند، شب و روز دویدند و بدون کوچکترین ادعا و کوبیدن بر طبل غرور و خودمحموری برای سربلندی برطرفدارترین ورزش منطقه عرق ریختند و آنچه در توان داشتند در طبق اخلاص نهاده و نامی نیک از خود به یادگار گذاشتند. همه کسانی که فوتبال دهه‌های ۵۰ و ۶۰ اردبیل را درک کرده‌اند هوشنگ چمن آرا را به عنوان یکی از مؤثرترین و تأثیرگذارترین چهره فوتبال منطقه می‌شناسند. او با بنیان گذاشتن رقابت‌هایی تحت عنوان جام عقاب و تشکیل تیمی به نام عقاب برای فوتبال خدمتی بزرگ کرده است.

برخی‌ها به دلایل مختلف خدمت به فوتبال را بازی کردن در سطح باشگاهی و به تن کردن پیراهن‌های مختلف و قرار گرفتن در مقابل چهره‌های نامی خلاصه می‌کنند در حالی که برای یک جوان جویای نام و برای منطقه‌ای محروم، فراهم کردن امکان دیده شدن، برگزاری مسابقات، ایجاد فضای فوتبالی و آماده کردن زمینه برای فعالیت بیشتر تیم‌ها می‌توانند از با اهمیت‌ترین و قابل توجه‌ترین خدمات به شمار آید و مرحوم هوشنگ چمن آرا در این بخش‌ها سرآمد و بهترین بود. خدمت بی‌منت که شعار بسیاری در سال‌های اخیر بوده است توسط مرحوم هوشنگ چمن آرا در عمل به نمایش درآمده است. برای مردی که یادش در هر محفل و مجلسی ورزشی با ذکر خیر و قرائت فاتحه همراه می‌باشد همین بس که یادگاری به بلندی بلندترین قله‌ها چون نامی نیکو، خاطره‌ای خوش و خدمتی ستودنی باقی گذاشته است.

جام عقاب برای فوتبال دهه‌های ۵۰ و ۶۰ اردبیل معتبرترین رقابت و با اهمیت‌ترین دیدارها بود. استقبال تیم‌ها برای حضور در این جام به حدی بود که گاهی برای محدود کردن تیم‌ها اقدام می‌شد. تلاش دست اندرکاران همه تیم‌های سطوح مختلف باشگاهی برای حضور در جام عقاب نشانی از اهمیت و سطح بالای رقابت‌های آن بود.

مرحوم چمن آرا در طول برگزاری جام عقاب به دست اندرکاران فوتبال اردبیل درس مدیریت داده و راه‌های موفقیت در برگزاری یک دوره مسابقه را به طور عملی نشان می‌داد. او در اداره امور فوتبال و در غلبه بر حاشیه‌ها یکی از بهترین‌ها بود.

جایگاه جام عقاب در بین فوتبالی‌های منطقه به حدی بود که تماشاگران، تماشای مسابقات آن را به دید و بازدیدها و یا مسافرت‌های تعطیلات نوروزی ترجیح می‌دادند و در آستانه سال نو برای آغاز جام

لحظه شماری می‌کردند.

جام عقاب برای تیم‌های اردبیلی مناسب ترین میدان برای محک زدن آمادگی‌ها، شناخت نفرت و تمرین تاکتیک‌ها برای حضور قدرتمندانه در رقابت‌های باشگاهی بود.

کمتر کسی می‌تواند عظمت و تأثیر جام عقاب و نقش مهم مرحوم هوشنگ چمن آرا در فوتبال اردبیل را انکار بکند. احیانا اگر با چنین تفکراتی مواجه شدید باید بدانید که صاحب آن فکر اسیر دام غرور، متیّت و خودمحموری است چرا که جام عقاب و اقدامات مرحوم چمن آرا چون ستاره‌ای درخشان در آسمان ورزش و فوتبال اردبیل بوده و تا فوتبال است و اردبیل پابرجاست این درخشش ادامه دار خواهد بود.

یاد و خاطره مرحوم هوشنگ چمن آرا را گرامی داشته از خداوند بزرگ برای آن خدمتگزار بی‌بدیل علّو درجات آرزو می‌نمائیم.

حمید درخشان سرمربی تیم فوتبال نفت مسجدسلیمان شد

مدیر رسانه‌ای باشگاه نفت مسجدسلیمان گفت: حمید درخشان به عنوان سرمربی جدید این تیم انتخاب شد و در نیم فصل دوم هدایت نفت مسجدسلیمان را برعهده دارد. مهران حسونوند اظهار داشت: پس از جدایی مجتبی حسینی از تیم فوتبال نفت مسجد سلیمان، باشگاه با چند گزینه وارد مذاکره شد تا اینکه با درخشان به توافق رسید.

وی با بیان اینکه قرارداد درخشان با باشگاه نفت مسجد سلیمان برای یک نیم‌فصل است افزود: بر اساس برنامه ریزی باشگاه، قرار است درخشان دستیارانش را از بین مربیان بومی انتخاب کند. مدیر رسانه ای تیم نفت مسجدسلیمان گفت: در نیم فصل اول نتایج خوبی کسب کردیم و با ۱۸ امتیاز در مکان دهم جدول قرار گرفتیم اگرچه می توانستیم در یکی، ۲ دیدار برنده میدان شویم.

وی افزود: تلاش می کنیم در نیم فصل دوم بازی های بهتری ارائه داده و جایگاه بهتری نسبت به فصل گذشته اختیار کنیم. بازیکنان ما بسیار سخت کوش و پرتلاش هستند و تاکنون کمتر به حریفان باج داده اند.

تیم نفت مسجدسلیمان در پایان نیم فصل رقابت های لیگ برتر در جایگاه دهم جدول قرار گرفت. این تیم فصل گذشته در جایگاه هشتم جدول ایستاد.